

اونوره دو بالزاک

اوژنی گرانده

ترجمه عبدالله توکل

انتشارات ناهید

تهران، ۱۴۰۶

سرشناسه	بالزاک، اونوره دو، ۱۷۹۹ - ۱۸۵۰ م. Balzac, Honore de
عنوان و نام پدیدآور	اوژنی گرانده / اونوره دو بالزاک؛ ترجمه عبدالله توکل.
مشخصات نشر	تهران، ناهید، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	۲۷۲ ص.
شابک	978-964-6205-74-1
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
پادداشت	عنوان اصلی: Eugénie Grandet
موضوع	داستان‌های فرانسه - قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده	توکل، عبدالله، ۱۳۰۳ - ۱۳۷۸، مترجم.
ردیفی کنگره	۱۳۸۶ الف PQ 21۸۹۷
ردیفی دیویی	۸۳۳/۷
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۸۳۰۷۹

- اونوره دو بالزاک
- اوژنی گرانده
- ترجمه عبدالله توکل
- چاپ اول: ۱۳۴۲
- چاپ پانزدهم: ۱۳۰۱ (چاپ هشتم انتشارات ناهید)
- حروف چینی: شیشتری
- چاپ: دوستان
- شمارگان: ۵۵۰ نسخه
- همه حقوق محفوظ است.



تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (آنلاین، فیزیکی، ضبط الکترونیکی و غیره) انتشارات ناهید در سیستم پانزایی و پخش بدون دريافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

- سایت: www.nahid.com
- پست الکترونیکی: nahidbooks@yahoo.com
- فروش اینترنتی: www.bahanbook.ir

زندگی دردی است که درمانش
با خودش است!

گفتار ناشر

بالزاک نویسنده جامعه‌ای است که سوداگری و پول در آن جایی بسیار بزرگ دارد. متفکری است که خویشتن را چرایی برای روشن کردن اذهان می‌داند، یا حداقل طبیعی می‌پندارد که با وقار و منانت نبض قریب خود را می‌گیرد، تفکر و تأمل می‌کند، و در خلال داستان‌هایش به مباحث اجتماعی و فلسفی می‌پردازد، جد و جهد می‌کند تا همه واقعتاً را در بر بگیرد یا همپایه واقعتاً بشود. به حکم سنت خود که سنت کلاسیک‌ها است، تنها به انسان و محیط انسان یا خصایص انسان علاقه نشان می‌دهد. در عالم نویسندگی برای خودش عرصه‌ای دارد که در پهنه آن هیچ نویسنده‌ای هیچ کاوشگری با او برابر نمی‌شود. و این عرصه، عرصه توصیف خصایص کلی طبقات بورژوازی و توده مردم است. در نهاد قهرمانانش غریزه‌ای، و به قول فلاسفه، «شهوئی» به کار می‌اندازد که یگانه محرک اعمال و افعال آنان می‌شود و همه مقاومت‌های و ظایف خانوادگی یا اجتماعی حتی مقاومت‌های منافع و مصالح شخصی را نیز درهم می‌شکنند. اما هرگز نویسنده‌ای بهتر از او تأثیر چنین مقاومت‌ناپذیر فرد را در آسیب زدن به تمام زندگی و تخریب و انهدام تمام خانواده توصیف نکرده است. تقریباً در وجود همه بازیگران داستان‌هایش غریزه‌ای غلبه‌ناپذیر - گرانبمایه یا پست - غنی یا فاسد - آشیان دارد و انگیزه درونی از هر قهرمان او فرشته یا دیوی می‌سازد. اما این قهرمان‌ها به نیروی توصیف اخلاقی و جسمانی‌شان واقعتاً پیدا می‌کنند.

بالزاک به جای آنکه مثل بسیاری از نویسندگان خودش را زندانی دایره عشق کرده باشد قهرمانانش را به آغوش اجتماع می برد و هر کسی را سرگرم شغل و حرفه خود نشان می دهد و همه آن بازی های حرفه ای را که مایه بدبختی یا خوشبختی قهرمانان داستان می شود، باز می گوید.

بالزاک در تعریف خصوصیت های قهرمانانش برهمناس است و این خصوصیت ها را در محیطی که محیط زندگی این قهرمان ها است توصیف می کند. گروه های اجتماعی را بسیار خوب از همدیگر تشخیص می دهد. در شناخت طبقه اعیان و اشراف، بورژوازی پولدار، کسبه خرده پای، توده مردم پاریس، اشراف و بورژوازی شهرستان ها یا روستاها، دهقان ها، کارمندا، مستخدم ها، روزنامه نویس ها، و همه فرقه ها، همه شغل ها، همه مقام ها و منصب ها تخصص دارد. مثلاً شوق تصاحب زمین، و شوق توسعه این زمین را در فطرت دهقان نشان می دهد، زندگی بر معنی اداره ها و دفترها، پیشرفت دسیسه بازی ترین کارمند، و درجا زدن کارمند شریف و صدیق یا کارگر زود باور را برای ما مجسم می کند. از شایعه ها و پشتیبانی ها و همکاری های زن ها برای بیسخت شوهرها و تملق اجباری در مقابل زنان رؤسا سخن می گوید، محافل شهرستان ها را که محل بدگویی ها و تهمت ها و افتراءها و جاسوسی ها، و عرصه بازی هایی برای نفع پرستی یا تصرف میراث است وصف می کند و به این ترتیب نقاش قوی دست و صدیق دوره ای از اجتماع فرانسه و قسمتی از این اجتماع می شود. طبقه بورژوازی پاریس و شهرستان را که کاری و کوشش دسیسه باز و برده منش و خودخواه است و دنبال پول و قدرت می گردد برای ما توصیف می کند و از این طبقه های بورژوازی که از راه اشتغال به تجارت و صنعت به سوی ثروت می روند و در نسل دوم کثافت ها و کبره های خودشان را در سایه القاب و عناوین و مقام و منصبی که به دست آورده اند، شست و شو می دهند تصویرهایی برای ما می نگارد... و بدینسان داستان هایی چون اوژنی گرانده به وجود می آید.

و این داستان چه داستانی است؟ داستان آرزو و رؤیای درهم شکسته ای است.

داستان محبتی است که لذت‌های از خودگذشتگی و ایثار را به اوژنی یاد می‌دهد و این دختر ساده‌شهرستانی را به مرحله‌ی شهادت و حماسه می‌رساند. اوژنی که مظهر حقیقت و سادگی و عاطفه و تأثر است، در جهنمی که پدرش (باباگرانده) - این خسیس جاودانی - برایش ساخته است زندگی می‌کند. اما در این دوزخ تاریکِ خست و پول‌پرستی مثل ستاره‌ی لعمان دارد. از پی نامردی‌هایی که می‌بیند به ازدواج صوری با یکی از خواستگاران پیشین‌اش رضا می‌دهد، در سر و پیش سالگی بیوه می‌ماند و پس از زندگی گوشه‌نشینانه‌ای که سراپا سخاوتمند است و در جریان آن همه ثروت‌گرافش را وقف امور خیریه می‌کند، می‌میرد.

زندگی اوژنی‌گرانده از سر تا پا نشانه‌ای از ایمان و پاکی و اصالت محبت و وفا است و اگر گاهی در خلال سرگذشت سرشار از عفت او وصف رسوم و آداب به میان می‌آید که با رسوم و آداب ما ارتباط نمی‌تواند داشته باشد، باید توجه داشته باشیم که این‌گونه چیزها ارتباط با مردم کشورهای دیگر دارد که دین و مذهب دیگری دارند و ما باید برای پی بردن به گرانبیگی فرهنگ دینی و مذهبی خودمان از آن آگاهی داشته باشیم.

بازاک اگرچه بدبین بود، شکاک نبود. آثار خویش را - چنانکه گفته است - در زیر لوای مذهب نوشته است. به نشانی گرانبیای ایمان داشت و تسلیم و رضا را امری بزرگ و واجب می‌شمرد و معتقد بود که مادام‌گرانده زردروی و اوژنی پاکدل و ناتوان - این کنیز و برده تا آگاه - نیکوترین راه‌ها را برگزیده‌اند.